

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی نظر مرحوم محقق اصفهانی در باب رادعیت سیره از آیات

عرض کردیم مرحوم محقق اصفهانی اعلی الله مقامه الشریف در مقام جواب از دوری که مرحوم آخوند در کفایه عنوان فرموده‌اند برآمدند و خلاصه جواب ایشان این است که دو دلیلی که داریم - آیات شریفه قرآن و سیره عقلائیه - تقابل یا به تعبیر خود ایشان تزام - که همان تزام لغوی است و نه تزام اصطلاحی - دارند؛ مزاحمت بین یک دلیل تام الاقتضاء و یک دلیل غیر تام الاقتضاء. آیات شریفه از نظر دلالت بر عموم به جهت ظهور لفظی که دارند از عمل به غیر علم نهی می‌کنند و شامل خبر واحد هم می‌شود؛ مقتضی در این آیات تام است؛ لکن باید ببینیم آیا در مقابل این مقتضی مانع وجود دارد یا نه؟ می‌آییم سراغ سیره عقلائیه، سیره عقلائیه از حیث اقتضاء ناقص است؛ زیرا، سیره عقلائیه زمانی اقتضای حجیت دارد که ردعی نسبت به آن واقع نشده باشد؛ به عبارت دیگر، عدم ردع جزئی از اجزای مقتضی است و تا زمانی که عدم الردع نیامده، هنوز مقتضی حجیت در سیره عقلائیه محقق نشده است. به عبارت سوم، اگر بگوییم سیره عقلائیه حجیت دارد، ردع شارع مانع از حجیت است؛ آن وقت، سیره عقلائیه با آیات قرآن از حیث اقتضا یکسان می‌شود؛ یعنی می‌گوییم هر دو تام الاقتضاست؛ در حالی که کسی این حرف را نمی‌زند. در سیره عقلائیه، می‌گویند تا زمانی که عدم ردع شارع احراز نشود، حجیت آن تمام نیست؛ مقتضی برای حجیت تمام نیست. بنابراین، نتیجه این می‌شود که آیات تام الاقتضاست و سیره غیر تام الاقتضاء. آن وقت، اگر بخواهیم آیات را بر سیره مقدم کنیم، این مقدار باز کافی نیست؛ بلکه اگر آیات بخواهد بر سیره مقدم شود و عنوان رادعیت پیدا کند، باید سیره عقلائیه مانعیت از آیات نداشته باشد؛ به حسب الواقع، سیره عقلائیه نباید مانع از آیات باشد. یعنی باید کاری کنیم که مقتضی موجود و مانع مفقود باشد؛ به صرف این که بگوییم مقتضی موجود است، مسئله تمام نمی‌شود.

پس از آن که مانع مفقود شد، آیات شریفه هیچ مشکل و کمبودی برای رادعیت ندارند و به آیات شریفه تمسک می‌کنیم؛ و می‌گوییم آیات شریفه رادع از سیره عقلائیه است. ببینیم مرحوم اصفهانی چگونه اثبات می‌کنند که مانع در اینجا مفقود است. می‌فرمایند: اگر سیره عقلائیه بخواهد مانعیت داشته باشد، دور لازم می‌آید. اگر سیره عقلائیه بخواهد مانعیت داشته باشد، توقف الشيء علی نفسه می‌شود. - خوب دقت بفرمایید که هم مطلب خیلی لطیف و جالبی است و هم یک مقدار دقیق است. - می‌فرمایند کسی فکر نکند که سیره می‌تواند مانع از آیات شود؛ اگر سیره عقلائیه بخواهد مانعیت پیدا کند، مانعیت سیره متوقف می‌شود بر خود مانعیت سیره. بیان مطلب این است که: سیره زمانی می‌تواند مانع شود که اقتضایش تمام باشد. چیزی که هنوز اقتضایش تمام نیست، نباید بحث از مانعیت را در آن مطرح کرد. پس، مانعیت سیره متوقف است بر تمامیت اقتضاء؛ و زمانی می‌توانیم بگوییم سیره تام الاقتضا است که آیات شریفه رادعیت نداشته باشد. اگر آیات شریفه رادعیت داشت، دیگر تام الاقتضاء نیست. و اگر آیات شریفه بخواهد رادعیت نداشته باشد، متوقف است بر این که در خود سیره مقتضی حجیت باشد؛ تعبیرشان این است: «وَيَتَوَقَّفُ عَدَمَ رَادِعِيَّتِهَا مَعَ وَجُودِ مَقْتَضِيَّهَا عَلَى مَانِعِيَّةِ شَيْءٍ عَنْ تَأْثِيرِهَا» اگر آیات بخواهد رادع نباشد، باید مانعی جلوی آیات را بگیرد. پس، عدم رادعیت آیات در حالی که مقتضی رادعیت در آنها وجود دارد، متوقف است بر مانعی که

آن مانع هم غیر از سیره چیزی نیست. نتیجه این شد: مانعیت سیره متوقف بر مانعیت سیره شد؛ و این دور است. اگر این مطلب را آقایان بتوانند خیلی خوب بفهمند، خیلی از راه را طی کرده‌اند؛ همچنین عرض کردم مطلب هم جالب است و هم دقیق؛ اگر ذهن انسان متوجه جای دیگر باشد، اصلاً نمی‌تواند به هیچ وجه به عمق مطلب برسد یا بعضی از جزئیاتش را درک کند؛ دوباره تکرار می‌کنم.

مرحوم اصفهانی فرمودند: آیات تام الاقتضاء ست و سیره غیر تام الاقتضاءست؛ اما این مقدار برای مقدمیت آیات بر سیره کافی نیست. باید در آیات، علاوه بر وجود مقتضی، فقدان مانع را اثبات کنیم؛ و مانعی که متوهم است، سیره است. بعد می‌فرمایند: اگر سیره بخواهد مانع باشد، مانعیت سیره توقف دارد بر مانعیت سیره؛ و این دور است و محال. یعنی محال بودن مانعیت را اثبات می‌کنند. بیان استحاله‌ی مانعیت نیز این شد: اگر سیره بخواهد مانعیت داشته باشد، متوقف است بر اینکه خودش تام الاقتضاء باشد؛ و تمامیت الاقتضاء سیره متوقف است بر عدم رادعیت آیات. عدم رادعیت آیات هم با وجود مقتضی رادعیت متوقف است بر مانعیت سیره؛ یعنی اگر سیره مانع شد، دیگر رادع نیستند. پس، مانعیت سیره متوقف بر مانعیت سیره شد؛ و هذا دور و باطل. مرحوم اصفهانی بعد از این که اثبات می‌کند آیات رادع است، از این مطلب بر می‌گردد؛ و در تحقیقی که دارند، می‌فرمایند: به نظر ما، سیره عقلائییه دلیل بر حجیت خبر است و آیات رادع نیست. نکته مهمی که دارند، این است که: اگر در سیره عدم تمامیت اقتضاء مربوط به چیزی غیر از آیات بود، این حرف درست است؛ یعنی بگوییم با قطع نظر از این آیات، سیره اگر بخواهد تام الاقتضاء باشد، باید چیز دیگری در اینجا ضمیمه شود؛ الآن که این سیره تام الاقتضاء نیست، مستند به خود آیات است؛ و نتیجه این می‌شود که سیره در تأثیرش گرفتار آیات است؛ و ما نمی‌توانیم بگوییم آیات شریفه رادعیت از سیره دارد؛ یعنی شما به همان نحوی که سیره را از تأثیر می‌اندازید، می‌گویید بالاخره احتمال می‌دهیم آیات رادع آن باشد، به همان نحو هم آیات از تأثیر در رادعیت می‌افتد. احتمال این وجود دارد که سیره مخصص آن باشد.

یعنی همان کلامی که در جواب مرحوم آخوند گفتیم، در اینجا نیز می‌آید. منتها عرض کردم مرحوم اصفهانی خواستند تحقیقی را در اینجا ارایه دهند که دور را به اعتقاد شریف خودشان از بین ببرند. این کبرای کلی که غیر تام الاقتضاء با تام الاقتضاء نمی‌تواند مزاحمت بکند، در جایی است که عدم تمامیت غیر تام الاقتضاء مستند به تام الاقتضاء نباشد؛ یعنی اگر دو دلیل داشتیم که یکی فی نفسه تام الاقتضاءست و دلیل دیگر با قطع نظر از این غیر تام الاقتضاءست، پذیرفته می‌شود. غیر تام الاقتضاء نمی‌تواند با تام الاقتضاء مزاحمت کند در صورتی که کمبود غیر تام الاقتضاء مستند به یک امر ثالثی باشد؛ و ربطی به تام الاقتضاء نداشته باشد؛ اما اگر تام الاقتضاء سبب شود که دلیل دیگر غیر تام الاقتضاء شود، در اینجا دیگر مزاحمت وجود ندارد. حالا این بحث‌های برهانی را بگذاریم کنار؛ روی این مطلب برای فردا فکر کنید که در باب سیره عقلائییه، دو مبنا وجود دارد؛ یک مبنا این است که سیره عقلائییه وقتی حجیت دارد که قطع به رضایت شارع نسبت به سیره داشته باشیم؛ یقین پیدا کنیم که شارع سیره را قبول دارد؛ از این مبنا تعبیر می‌کنند به امضاء؛ این را در اصول الفقه هم خوانده‌اید. مبنای دوم این است که چنین قطعی لازم نیست؛ همین مقدار که به حسب ظاهر ردی از سوی شارع وجود نداشته باشد، کافی است؛ سیره عقلائییه برای ما کاشف از رأی شارع است و همین مقدار در حجیت سیره کفایت می‌کند که ردی نداشته باشد. این دو مبنا در این بحث، ثمره بسیار مهمی دارد. آقایان روی این دو مبنا دقت کنند؛ بلکه ان شاء الله فردا بحث را به جایی برسانیم. و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین.